به‌دنبال گمشده‌اش می‌گشت؛ خواهر مردی به‌نام مجید. موج انفجار همسر باردارش را روی درخت روبه‌روی خانه پرت کرده بود، اما زنده ماند. درست در همان دقایقی که کنار دیوار مجتمع ارکیده روی زمین نشسته بود و آواربرداری ادامه داشت، به او خبر دادند که باید برای تست دی.ان.ای برود، شاید یکی از پیکرهای مجهول‌الهویه، برادر او باشد. لودرها هنوز در حال آواربرداری بودند، مردم هنوز روبه‌روی مجتمع ایستاده بودند و خیابان از جمعیت خالی نمی‌شد.

خبری از آمار نیست

چند دقیقه بعد از انفجارهای بامداد ۲۳ خردادماه غرب تهران، مجروحان به بیمارستان‌های رسول اکرم و شریعتی و امام خمینی منتقل شدند. اورژانس تهران تا پایان روز گذشته هیچ آماری درباره تعداد مصدومان و کشته‌شدگان اعلام نکرده بود؛ مجروحانی با چشم‌های آسیب‌دیده از انفجار شیشه و بدن‌هایی که از موج انفجار و ریختن آوار دیوارها و وسایل خانه خونین شده بودند. موج انفجار حتی بشقاب‌های خانه‌ها را تبدیل به ترکش کرده بود. روز گذشته وزارت بهداشت در خبرهایش تاکید می‌کرد که کمبودی از نظر دارو و تجهیزات وجود ندارد. «حسین کرمانپور»، رئیس مرکز روابط عمومی این وزارتخانه دیروز خبر داد که بیمارستان‌ها در سراسر کشور تاکنون به بیش از ۸۰۰ مصدوم که اغلب زنان، کودکان و غیرنظامی‌اند، خدمات داده‌اند و بیش از ۲۳۰ نفر از مصدومان ترخیص شده‌اند.

تا عصر ۲۳ خردادماه نام حداقل ۳۰ بیمار در لیست پذیرش اورژانس بیمارستان رسول اکرم دیده می‌شود و نزدیک ۱۰ پیکر به سردخانه این بیمارستان منتقل شدند که حدود پنج نفرشان کودک بودند. یکی از مصدومان بیمارستان، زنی است که بعد از حمله به یکی از خانه‌های مرزداران، دیوار و شیشه روی سر خودش و همسرش آوار شده بود و حالا خودش با سری باندپیچی شده، ترخیص شده و همسرش هنوز بستری است. تعدادی از مجروحان در ساعت‌های اولیه به‌صورت سرپایی درمان و نیمی هم بستری شدند. تا ساعاتی بعد از حمله، هنوز هم مجروحانی بودند که خودشان را به بیمارستان می‌رساندند که یک بخیه به زخم‌هایشان بخورد و حوالی غروب جمعه، دیگر خبری از ازدحام بامداد آن روز در بیمارستان نبود.

انگار که فیلم جنگی بود

لیلا و دختر ۱۶ ساله‌اش ساعت ۳:۲۰ دقیقه بامداد ۲۳ خردادماه، روی تخت‌شان در تقاطع خیابان البرز و زاگرس شرقی در خیابان مرزداران، با صدای انفجار از خواب پریدند. لیلا و دختر نوجوانش که ۱۷ سال است در خانه‌شان خندیده و گریسته بودند، آن لحظه وحشتی را تجربه کردند که فکرش را هم نمی‌کردند؛ وحشت جنگ. لیلا به «هم‌میهن» می‌گوید، حس کرده در آن ساعت صبح، خانه‌شان در حال خراب‌شدن روی سرشان است و زندگی رو به پایان: «دخترم بیدار شده بود و تپش قلب داشت. نزدیک‌های هفت صبح بود که تصویری در شبکه‌های اجتماعی دیدم که حدس زدم این انفجار نزدیکی‌های خانه ما باشد. آن موقع بود که تازه به بیرون از خانه رفتم.»

لیلا وقتی پایش را به خیابان می‌گذارد صحنه‌هایی را می‌بیند که برایش شبیه فیلم بوده؛ یک فیلم جنگی که هیچ‌کس دوست ندارد بازیگرش باشد: «وقتی از خانه خارج شدم، دیدم آن طرف خیابان، طبقه پنجم از یک ساختمان پنج‌طبقه را زده‌اند. شیشه‌های ساختمان‌های روبه‌رویی خانه ما شکسته، شیشه ماشین‌هایی که در خیابان پارک بودند، ریخته و طبقه مجاور آن آپارتمان مورد حمله هم خراب شده بود. دیدم که مردم داشتند شیشه‌های شکسته را از قاب‌های پنجره‌ها درمی‌آوردند. دو آمبولانس، یک ماشین آتش‌نشانی و حدود ۱۰ رفتگر آنجا بودند و داشتند کف خیابان را از شیشه پاک می‌کردند. تمام خیابان پر از خرده‌شیشه بود و همسایه‌ها مبهوت و نگران بودند.» و آن خانه ویران‌شده به گفته او، همسایه‌ها و نگهبان ساختمان خانه «لیلا»، خانه «امیرحسین فقهی»، دانشمند هسته‌ای بوده است. از بامداد جمعه تا امروز، موج انفجارهای پی‌درپی در مناطق مختلف تهران خواب از چشم مردم شهر ربوده و اضطراب به دل‌شان نشانده. همان ساعاتی که غرب تهران زیر موج حمله بود، در میدان نوبنیاد هم مجتمع مسکونی شهید چمران مورد اصابت موشک قرار گرفت و از همان ساعت‌های اول روبان‌های زرد و موانع فلزی تمام خیابان‌های منتهی به این مجتمع و میدان نوبنیاد را غیرقابل دسترس کردند. حالا نیروهای امنیتی دور تا دورش ایستاده‌اند و اجازه ورود هیچ‌کس را نمی‌دهند. ساکنان مجتمع هم به سختی می‌توانند وارد شوند اما خیابان‌های اطراف پر از مردم مضطربی است که برای دیدن آنچه بر سرشان آمده به خیابان آمدند.

«رویا»، نام زنی است که ساکن قیطریه است. ساعت ۳:۰۶ دقیقه صبح با صدای مهیب انفجار از خواب پریده و ابتدا فکر کرده ساختمانی در حال آواربرداری است. او درباره مواجهه‌اش با موشک‌باران‌ها به «هم‌میهن» می‌گوید: «خانواده من در شهر درود لرستان زندگی می‌کنند. ساعت پنج صبح بود که مادر زنگ زد و فهمیدم اسرائیل حمله کرده است.» او در شب اول حمله سه‌بار پشت هم صدای انفجارهای مهیبی شنیده: «ما چیزی برای باختن نداریم و تنها نگرانی‌مان اقتصاد است.» ساختمان سرو اساتید در سعادت‌آباد، یکی دیگر از محل‌های حمله موشکی شب اول در تهران است. اهالی سعادت‌آباد صدای انفجار حمله را شنیدند و به پشت پنجره‌ها و بالکن‌ها آمدند. سپهر، ساکن سعادت‌آباد است و فرزندی هشت ساله دارد. شب اول با صدای مهیب انفجار از خواب می‌پرد و این تجربه برایش تداعی تجربه سال گذشته و حمله اسرائیل به مراکز نظامی است. او دو صدای انفجار را شنیده و درباره آنها به «هم‌میهن» می‌گوید: «دو انفجار خیلی نزدیک بود و من بسیار نگران فرزندم بود. نزدیکی انفجارها به‌حدی بود که مطمئن بودم در شهر است. چنددقیقه بعد متوجه شدم در میدان کتاب سعادت‌آباد و فرحزاد اتفاق افتاده که بسیار به من نزدیک بودند.» او پس از آنکه می‌فهمد جنگ شده، به بالکن می‌رود و جنگنده‌ای را می‌بیند که در ارتفاع بسیار پایین از بالای سرش رد می‌شود: «نمی‌دانم جنگنده خودی بود یا دشمن اما برایم بسیار عجیب بود.» او از اینکه هیچ فعالیت پدافندی اتفاق نیفتاده، متعجب است: «بعدتر البته با فاصله عمل کرد.»

«سپهر» در موشک‌باران تهران در سال ۶۶، پنج ساله بوده و ترومای جنگ در کودکی را برای متولدین دهه ۶۰ و اواخر دهه ۵۰، ترومای خیلی بزرگ و پررنگی می‌داند: «من برجسته‌ترین خاطراتم از کودکی مربوط به جنگ است. موشک‌باران و آژیر قرمزها را به‌خاطر دارم و آن شب برایم یادآور موشک‌باران تهران به‌خصوص در سال ۶۶ بود. این حس که تجربه تلخ آن سال‌ها برای فرزندم تکرار می‌شود و برای او هم تبدیل به یک تروما می‌شود، خوشایند نیست و من دلم نمی‌خواهد تجربه تلخی که خودم از سر گذراندم را فرزندم هم از سر بگذراند.» سپهر از امید جامعه به توافق میان ایران و آمریکا می‌گوید که باعث شده بود جامعه آمادگی روانی مواجهه با چنین جنگی را نداشته باشد: «از نظر اجتماعی، ضربه مهلک روانی به جامعه وارد شده است. جنگ دور از ذهن نبود اما فکر نمی‌کردم انقدر زود و در این مقطع، درگیر جنگ شویم. ترس از باختن زندگی و اتفاقات مهیبی که برای هرکس می‌تواند بیفتد، تاثیرات روانی عمیقی بر ما خواهد گذاشت.» او نگرانی‌های اقتصادی بسیاری هم دارد: «متاسفانه اقتصاد ما گره خورده به کنش‌ها و واکنش‌های روانی جامعه است. سال‌هاست که اقتصادمان را نمی‌توانیم بلندمدت برنامه‌ریزی کنیم زیرا به وضعیت روحی و روانی جامعه گره خورده است. این اتفاق ضربه مهلکی بر بدنه اقتصادی است، روی معیشت مردم اثرگذار است و لطمه‌های دیرجبران‌پذیری وارد می‌کند.» سپهر، از نبود پناهگاه و مناطق امن و سیستم اطلاع‌رسانی درست گلایه می‌کند: «در همان دهه ۶۰ قبل از هر حمله آژیر خطر می‌زدند و ما به پناهگاه می‌رفتیم. اینکه الان این اتفاق نمی‌افتد برای من جای سوال دارد. کشور ما زیرساخت‌های لازم برای جنگ را هم آماده نکرده اما جاهایی مانند متروها می‌توانند کارکرد پناهگاه داشته باشند و متولی این موارد سازمان‌هایی مانند پدافند غیرعامل است.» سپهر می‌گوید، جنگ احساس ناامنی می‌دهد: «احساس ناامنی جانی و اقتصادی هم می‌دهد. نسبت به آینده هم احساس ناامنی دارم. این جنگ نابرابر است و به هیچ نتیجه‌ای هم نمی‌رسد. هیچ طرف، نه متخاصم و نه انتقام‌جو به جایی نمی‌رسند.» بلواز اندرزگو هم یکی دیگر از مکان‌هایی بود که مورد اصابت موشک قرار گرفت. ساختمانی در حوالی مجتمع کوه نور که آخرین طبقه آن پس از اصابت موشک کاملاً ازبین‌رفته و از دیگر طبقات، چاردیواری مانده بی‌قاب پنجره، با پرده‌هایی که باد آنها را به بیرون پرتاب می‌کند. خالی از سکنه. آوار تخریب روی ماشین‌های پارک‌شده در کوچه ریخته و آهن‌پاره‌هایی که تا چندساعت قبل ماشین‌هایی مدل بالا بودند، با جرثقیل از کوچه خارج می‌شوند. نیروهای امنیتی گرداگرد ساختمان ایستادند و در تلاشند مانع ایستادن مردم شوند. زنی از جنت‌آباد برای تماشا آمده و زن دیگری شب را آنجا مهمان بوده و حالا در خیابان به تماشای چیزی نشسته که شب گذشته صدایش در سرشان پیچیده بود. خانه «مهرداد» کمی آن‌سوتر از مکانی است که مورد اصابت موشک قرار گرفته. ساعت ۳:۳۲ دقیقه بود که با صدای انفجار بزرگی از خواب می‌پرد و در شبکه ایکس به‌دنبال علت انفجار می‌گردد: «توئیتر را چک کردم و متوجه حمله شدم. قبل‌تر این ساختمان را دیده بودم اما حفاظت امنیتی نداشت و من متوجه نشده بودم که فرد مهمی در آن زندگی می‌کند.» او در پاسخ به سوال «هم‌میهن» درباره اینکه آینده را چه شکلی می‌بیند، می‌گوید: «درباره آینده حرف‌زدن سخت است.» ساختمان شرکت «دات‌وان» متعلق به بابک زنجانی، در چهارراه جهان کودک هم مورد اصابت موشک قرار گرفته؛ نوارهای زرد دور تا دور ساختمان را گرفته و نیروهای امنیتی این سو و آن‌سوی چهارراه ایستاده‌اند. خرده‌شیشه‌ها و قاب‌های فلزی پنجره در جهان کودک پخش شده، ماشین‌ها با احتیاط از روی آنها رد می‌شوند و با نگاهی گذرا به برج موشک خورده، دور می‌شوند. «حسن» سرایدار ساختمانی در حوالی ونک است. صدای انفجار را که شنیده اول فکر کرده زلزله شده است. به خیابان آمده و صدای موشک‌باران را شنیده فهمیده جنگ شده است: «ساختمان می‌لرزید و من از وحشت به خیابان آمدم.» «عباس» هم در یک گلفروشی آن حوالی کار می‌کند و شب‌ها را در همانجا به صبح می‌رساند. او هم صدای انفجار را شنیده و از خواب پریده: «ما نگرانیم و این وسط آدم‌های ضعیف از بین می‌روند. ما سیاستمدار نیستیم که بدانیم اینها چه می‌کنند، اما اوضاع اقتصادی خراب است و گرانی مردم را از پا درآورده است.»

زهرا همیشه می‌گفت ما همه انسانیم

زهرا شمس که دوستانش او را نجمه صدا می‌کردند، یکی دیگر از قربانیان غیرنظامی حمله اسرائیل به مناطق مسکونی در ایران است. زهرا ۳۵ ساله، طبیعت‌گرد بود و علاقه زیادی به دوچرخه‌سواری داشت. حالا الهام، یکی از دوستانش در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از زندگی و مرگ او می‌گوید: «من تقریباً هر هفته نجمه را می‌دیدم. چون من در باشگاه اندیشه یک باشگاه نجاری داشتم و با بچه‌هایی که به آنجا می‌آمدند، آشنا شدم. نجمه یکی از کسانی بود که مقابل محدودیت‌هایی که به‌دلیل حجاب برای زنان در آنجا ایجاد می‌کردند، می‌ایستاد با اینکه خودش محجبه بود. بسیار زن فعالی بود و خنده‌هایش جلوی چشمانم است. ما حتی قرار بود با همدیگر یک کارگاه فرشبافی راه بیاندازیم.»

الهام می‌گوید که زهرا به طبیعت بسیار علاقمند بود و انسانی بود که به بقیه جرأت می‌داد: «انسان بسیار منعطفی بود و در کارهای گروهی، مشارکت فعال داشت.» به گفته او: «نجمه ۳۵ ساله بود و سمت سعادت‌آباد زندگی می‌کرد. او با اکیپ دوستانش به باشگاه می‌آمد و همیشه بادوچرخه بود. نمی‌دانم بقیه اعضای خانواده‌اش آسیبی دیده‌اند یا خیر یا اینکه پیکرش کجاست. او دختر بسیار مهربان و آرامی بود و هروقت مسئله‌ای پیش می‌آمد می‌گفت، بابابی خیال، همه ما انسانیم.»

خون، روی تشک صورتی

۱۰ روز دیگر اگر می‌گذشت، تولد ۲۴ سالگی پرنیا عباسی از راه می‌رسید؛ او شاعر، معلم زبان انگلیسی و کارمند بانک ملی شعبه مرکزی بود؛ فارغ‌التحصیل مترجمی زبان دانشگاه بین‌المللی قزوین و به‌تازگی در آزمون کارشناسی ارشد رشته مدیریت پذیرفته شده بود اما برای اینکه کارش را از دست ندهد، به دانشگاه برای ادامه تحصیل نرفت. مریم، دوست نزدیک پرنیا حالا در گفت‌وگو با «هم‌میهن»، از زندگی او می‌گوید، به گفته او، تصویری که از صبح امروز خبرگزاری فارس منتشر کرد و در آن گوشه‌ای از موهای زنی از زیر آوار و روی یک تشک صورتی پیداست، متعلق به پریا عباسی است. مریم می‌گوید، پدر پرنیا بازنشسته آموزش‌وپرورش و مادرش بازنشسته بانک ملی بوده است. صبح امروز، جمعه پرنیا قرار بود که با مریم دوست نزدیکش در ساعت ۱۱ در نزدیکی خانه پرنیا دیدار داشته باشند.

بعد از این اتفاق مریم به خانه آنها می‌رود و با خانه ویران‌شده‌شان در بلوک چهار مجتمع مسکونی ارکیده، در خیابان شهران نزدیک پمپ بنزین روبه‌رو می‌شود. بلوک چهار این مجتمع، ۱۰ واحد بوده است که طبقه ۵ تا ۳ تخریب شده است و به نظر می‌رسد همه ساکنانش فوت شده‌اند. مریم از نزدیک دیده است که ابتدا پیکر پرنیا از زیر آوارهای خانه‌شان خارج می‌شود و بعد برادرش: «پدر و مادرش را نتوانستند هم‌زمان نجات دهند و نیروهای امداد گفتند، باید لودرها بیایند برای آواربرداری تا بشود پیکرهای آنها را از زیر آوار بیرون کشید. پرهام، برادر پرنیا دانش‌آموز و متولد ۱۳۸۸ بود.» به گفته او، وسط ساختمان آن‌ها مورد اصابت قرار گرفت و همین موضوع باعث شده، ساختمان بریزد: «کسانی دیگر هم در ساختمان آنها فوت شده‌اند. آن عکس با تختخواب صورتی که خون رویش ریخته برای همان محل است.» پرنیا روزی در تکه‌شعری که بعدها در مجله وزن دنیا منتشر شد، نوشته بود: «در هزارجا/من به پایان می‌رسم/می‌سوزم/می‌شوم ستاره‌ای خاموش/که در آسمانت/دود می‌شود.»

شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص)

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران

مناقصه شماره م.ع.پ/۱۴۰۴/۰۰۴ به شماره سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۹۱۶۴۵۰۰۰۰۳۳

نوبت اول

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع مناقصه را با در نظر گرفتن شرایط کلی زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به مناقصه‌گر واجد شرایط واگذار نماید:

الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطرنشان می‌سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت امکان ثبت‌نام برخط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه‌گران فراهم می‌باشد.
شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۲۱۱۴۵۶ه و اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام در سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت‌نام/پروفایل تامین‌کننده/مناقصه‌گر» موجوداست.

ب) نوع فراخوان: مناقصه عمومی توأم با ارزیابی کیفی جهت انتخاب مناقصه‌گر واجد شرایط به منظور انجام خدمات موضوع مناقصه/یک مرحله‌ای

ج) نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: تهران- خیابان پاسداران- بالاتر از برج سفید- خیابان شهید حجت سوری (نیستان هفتم) پلاک ۱۱- شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص)

د) موضوع مناقصه: پروژه احداث ساختمان خوابگاه یاس ۳ شرکت پایانه‌های نفتی ایران در جزیره خارک

ه) شرح مختصر پروژه: هدف از اجرای این پروژه احداث ساختمان خوابگاه یاس ۳ شرکت پایانه‌های نفتی ایران واقع در جزیره خارک شامل احداث یک ساختمان دو طبقه به متراژ تقریبی ۱۴۰۰ متر مربع شامل خاکبرداری و اجرای فنداسیون، اسکلت بتنی، سفت کاری، نازک کاری، نماسازی با ترکیب آجر نسوز، سنگ پلاک و پانل‌های بتنی پیش ساخته GFRC، اجرای پیاده روی پیرامونی و اجرای تاسیسات مکانیکی و برقی مطابق با شرح کار می‌باشد. کارهای اجرایی پروژه تنها محدود به (و یا شامل تمامی) پارامترهای مطرح شده در قسمت «شرح کارهای اجرایی» نبوده و شامل تمامی مواردی خواهد بود که منجر به تکمیل و انجام پروژه گردد.

و) نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار، تضمین انجام تعهدات و حسن انجام کار: ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۶٫۹۰۶٫۸۰۵٫۶۲۲ ریال حسب آیین‌نامه شماره ۱۲۳۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت محترم وزیران، همچنین تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان پنج درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه؛ ضمناً تضامین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آیین‌نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا این شرکت از پذیرش تضامینی که فاقد شرایط فوق باشد معذور بوده و هیچ‌گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص، نخواهد داشت. شایان ذکر می‌باشد پس از انعقاد قرارداد، به میزان ۱۰ درصد از هر صورت وضعیت مناقصه‌گر برنده به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می‌گردد.

ز) محل، مدت زمان اجرای پروژه و برآورد مناقصه‌گزار: محل اجرای پروژه موضوع مناقصه واقع در شرکت پایانه‌های نفتی ایران در جزیره خارک و مدت انجام قرارداد ۱۸ (هجده) ماه شمسی و دوره نگهداری به میزان ۱۲ (دوازده) ماه شمسی و برآورد مناقصه‌گزار ۵۳۸٫۱۳۶٫۱۱۲٫۴۴۹ (پانصد و سی و هشت میلیارد و یکصد و سی و شش میلیون و یکصد و دوازده هزار و چهارصد و چهل و نه) ریال می‌باشد.

ح) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد مالی از تاریخ ارائه پیشنهاد به مدت ۱۸۰ روز می‌باشد.

ط) گواهی‌ها و مدارک مورد نیاز:
۱- داشتن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری حداقل پایه رتبه ۵ در رشته ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور
۲- دارابودن شخصیت حقوقی.
۳- ارائه گواهی‌نامه تایید صلاحیت پیمانکاری از نظر ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمان عقد قرارداد با مناقصه‌گر برنده الزامی می‌باشد.
۴- ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی.
۵- ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضاء
۶- ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و یا اعضای جامعه حسابداران رسمی.

ی) زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:
۱) با عنایت به ابلاغیه شماره ۱۴۰۹۳۵/۱ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تاکید مجدد بر الزام به کارگیری امضای الکترونیکی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم)، کلیه مناقصه‌گران موظف می‌باشند تمامی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) مناقصه را با امضاء الکترونیکی و در موعد مقرر در اسناد مناقصه از طریق سیستم سامانه ستاد بارگذاری نمایند در غیر این صورت مناقصه‌گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش‌گفته معذور خواهد بود.
۲) کلیه مناقصه‌گران واجد شرایط می‌توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آن‌ها و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهینامه‌های ذکر شده در آگهی نسبت به تغذیه اسناد پیش‌گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.
همچنین مناقصه‌گران می‌توانند جهت رویت آگهی به سایت‌های HTTP://IETS.MPORG.IR و WWW.SHANA.IR و WWW.IOTCO.IR مراجعه نمایند.
۳) مناقصه‌گزار در رد یا قبول مدارک در تمام مراحل مطابق قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مختار خواهد بود.

شناسه آگهی: ۱۹۴۷۸۹۰

روابط عمومی

وضعیت ذخایر خونی در استان تهران

منتظر شبر، مدیرکل انتقال خون استان تهران، همزمان با روز جهانی اهدای خون درباره میزان ذخایر خونی گفت: «خوشبختانه، میزان ذخایر خونی در استان تهران حدود دوهفته است و مطلوب قلمداد می‌شود. اگرچه وضعیت ذخایر خونی مطلوب است اما از شهروندان تهرانی درخواست می‌کنم که اهدای خون را فراموش نکنند و نسبت به این امر خداپسندانه اقدام کنند. ذخایر کنونی خون برای فصل بهار است و ممکن است طی سال تغییر کند.» به گزارش ایسنا، او درباره شرایط اهدای خون گفته، افرادی که ۱۸ سال تمام دارند تا ۶۵ سالگی می‌توانند نسبت به اهدای خون اقدام کنند: «تعریف بازه سنی برای اهدای خون در راستای حفظ سلامت افراد است. مردان و زنان به ترتیب چهار و سه بار در سال می‌توانند نسبت به اهدای خون اقدام کنند. تمام فرآیند اهدای خون حدود ۲۰ دقیقه است، اما این بازه زمانی در ایام خاص سال به‌دلیل افزایش مراجعه برای اهدای خون افزایش می‌یابد.»

بررسی بازگشت حجاج

علیرضا بیات، رئیس سازمان حج درباره زمان از سرگیری پروازهای زائران گفت: «پیرامون شرایط فعال‌شدن ناوگان هوایی، مسئولان ذی‌ربط تصمیم‌گیری خواهند کرد ولی ما سناریوهای دیگری از جمله بازگشت حجاج از مسیر زمینی نیز مدنظرمان قرار دارد و مسئولان عربستان هم در تماس‌های مختلف برای هرگونه همکاری، اعلام آمادگی کرده‌اند.» به گزارش ایلنا، او گفت: «به‌طور مستمر با مقامات کشورمان در ارتباط هستیم و اقدام لازم برای حل مسئله بازگشت حجاج به کشور در حال بررسی است. سازمان حج از زائرانی که پروازشان امروز یا روزهای آینده لغو شده یا می‌شود، در شهرهای مکه و مدینه، میزبانی می‌کند. این اطمینان را به زائران و خانواده‌هایشان می‌دهیم که همه ظرفیت‌های کشور برای تسهیل سفر حجاج پای کار است، مسئولان دولت عربستان هم از صبح با ما در ارتباط هستند و برای هرگونه کمک برای تسهیل بازگشت زائران ایرانی، اعلام آمادگی کرده‌اند.»

ادامه سرمقاله

ولی با بهبود شرایط و عبور از شوک اولیه، نیروی مسلح کشور توانست پاسخ مناسب و درخوری به این جنایت دهد و انتظار می‌رود که در ادامه نیز قدرت بازدارندگی و پاسخگویی خود را تقویت کند و سرعت دهد. پرسش مهم این است که ما به‌عنوان شهروندان در برابر این رویداد چه وظیفه و چه انتظاراتی داریم.

به‌طور کلی، در شرایط جنگی یا شبه‌جنگی مردم می‌توانند و یا باید به تصمیم‌گیران نظامی و حکومت اعتماد نسبی نشان دهند و از سیاست‌ها و راهبردهای آن حمایت کنند. زیرا در چنین شرایطی امکان نقد و نظرهای متعارف و عادی وجود ندارد. باید سریع تصمیم گرفت و اجرا کرد. این تصمیمات مشروط و مقید به هیچ چیز نمی‌تواند باشد، جز منافع ملی و آینده ایران و آرامش و مصالح مردم. در نقطه مقابل هم حکومت و سیاست‌گذاران اصلی در برابر این رفتار وظیفه دارند که فقط همین شرایط و اهداف را در سیاست‌گذاری خود رعایت کنند و نه اهداف و موضوعات دیگر را.

در این مسیر، باید از برجسته کردن اختلافات موجود که وجودشان چندان هم غیرطبیعی نیست؛ پرهیز کرد. این رفتار ضرورت شرایط جنگی است که همه را در برابر دشمن متجاوز متحد و مقاوم می‌کند. این پایداری و مقاومت نیازمند امید است. امید را نیز سیاستمداران ایجاد می‌کنند. جاده میان مردم و سیاست‌گذار همیشه دوطرفه است و تعاملی است. این جاده‌ای نیست که فقط یک طرف در آن حرکت کند. انتظارات مردم زیاد نیست در حد مقدورات و ممکنات است. انتظارات زیاد اتفاقاً از جانب تندروهایی است که درکی از واقعیت ندارند و معمولاً هم هزینه‌ای نمی‌پردازند. مردم تا آنجا که منافع ملی حفظ شود و منزلت و هویت ایران تامین و ماندگار شود، از سیاست‌های رسمی حمایت می‌کنند. به دست آوردن دل مردم کم‌هزینه‌تر از هر دستاوردی است و در عین حال، سودآورترین معامله سیاسی برای سیاستمداران است.